



دکتر کورش آریامنش - تاریخ ترور ۲۷ می ۱۹۹۶

از زنده یاد کورش آریامنش

پیام ما آزادگان شماره ۱۳۲، ۱۳۱، ۲۹ سپتامبر ۱۹۸۴

خمینی بزرگترین خدمتگزار ایران و ایرانی است

خمینی در طول چند سالی که جمهوری منحوس اسلامی و ولایت فقیهش را در ایران آخوندزاده بر پا کرده است، آن چنان مرتکب قتل و چپاول، تجاوز و ویرانی شده که مردم و جامعه ای را به سوی انحطاط کشانده است. با تربیت تروریست، آدمکش، جانی و کشتن بسیاری در سراسر دنیا به وسیله ارادل تربیت شده اش، آن چنان دنیایی را پر از آشوب نموده است که شاید کمتر کسی باشد که این آدمخوار مذهبی و مسلمان را که مو به مو دستورهای اسلام را خواسته است به مرحله اجرا در آورد، نشناسد و به سنگدلی و سفاکی او که به خوبی نشان می دهد که فرزند خلف تازیان است آگاهی نیافته باشد.

بنا بر این بدیهی است که هر کس عنوان این مقاله را ببیند، ناگهان دچار حیرت و تعجب می شود که منظور نویسنده از بیان آن چیست و چرا می خواهد ثابت کند که خمینی خدمت گذار ایران و ایرانی است. برای اینکه بیش از این خواننده را در دنیای پریشان حالی و تحیر باقی نگذارم، ناگزیرم به اصل مطلب بپردازم و در اثبات نظریه ام، دلایل و مدارک لازم را ارائه دهم، ولی پیش از اشاره به مطلب اصلی باید این نکته را یاد آوری کنم که اگر از خدمتگذاری این رئیس قبیله آدمخواران سخن به میان می آورم، منظور آن نیست که او و دارو دسته تبه کارش، شخصا کمر به خدمتگذاری بسته و در راه ایران و برای ایرانی گام برداشته اند، بلکه اعمال و رفتار، کردار و سخنان اوست که بسیاری از حقایق نا مکشوف را روشن و بسیاری از واقعیات را آشکار کرده است و پرده از اعمال و کردار و چهره بسیاری از افراد و گروهها، ایدئولوژی ها، افکار و اندیشه ها بر گرفته است. اگر چه خرابی و ویرانی و بدبختی و فلاکت بوده است ولی از سویی دیگر به صورت غیر مستقیم به سود جامعه ایران و ایرانی تمام شده است.

من از خواننده گرامی می خواهم که پیش از مطالعه مقاله به داوری نپردازد و اگر پس از مطالعه با نوشته موافق نبود، دست به انتقاد و حتی تنقید بزند، انتقاد دلیل عظمت است. برای آنکه خدمات این مرد جانی قرن را بتوانیم دقیقاً شناسایی کنیم آنها را به صورت زیر بخش بندی می کنیم:

۱ - خمینی چهره اسلام را به ما شناساند

بدون شک هیچ کس جز خمینی نمی توانست به این دقت و ظرافت و قدرت چهره اهریمنی را که نقاب زیبایی بر خود زده بود یا سالوس پیشگان سودجو بر آن زده بودند، چنین روشن و آشکار سازد.

پیش از آمدن خمینی به ایران مردم از اسلام یک چهره آسمانی و از پیشوایان آن، شمایل معصوم، انسان دوست، مهربان و با عاطفه داشتند. الله رابخشنده و مهربان، محمد را مظهر لطف و گذشت و انسانیت، علی و امامهای ساخته و پرداخته دست آخوندها را نهادهای دانش، بینش، مهرورزیو بردباری می شناختند که همه در راه بشریت، انسانها، محرومین و ستمدیده گان گام بر می داشتند و با ستمکاری و ظلم، ویرانی و غارت سرسختانه می جنگیدند.

چند سال حکومت این جبار همه چیز را دگرگون کرد و با توانایی تمام نشان داد که مردم در افکار و اندیشه شان نسبت به قرآن و الله، محمد و علی و غیره سخت دچار اشتباه و خطا می باشند و اسلام آن نیست که آنها در ذهن خود تراشیده و ساخته اند، بلکه این است که او عمل می کند. کمتر کسی بود که قرآن را بخواند و اگر از راه تقدس می خواند، طوطی وار جملات و کلمات عربی را محض ثواب آخرت و رسیدن به آغوش حوری و غلمان در بهشت، بر زبان جاری می کرد بدون آنکه به معنا و مفهوم آنها واقف باشد یا کوشش کند که آنها را بفهمد و درک نماید. مردم قرآن را می خواندند و خوشحال بودند که دارند ثواب می کنند.

زنان حتی آیه ۳۴ از سوره ۴ که می گوید « زنان را که از شما اطاعت نمی کنند، کتک بزنید» یا سوره ۶۴ آیه ۱۴ که می گوید « زنان و فرزندان شما دشمن شمایند، از آنها حذر کنید»

یا آیه ۲۲۳ سوره ۲ را که می گوید « زنان شما کشتزار و مزرعه شمایند، از هر راهی که مایلید به کشتزار خود بیایید و چنانکه می خواهید عمل کنید.» و بالاخره ده ها آیه زشت و ضد انسانی و خوار کننده دیگر را به زبان عربی می خواندند و احساس شادی و نشاط می کردند که قرآن، کتاب آسمانی را خوانده اند و به ثواب دو دنیا نایل آمده اند. آنها نمی دانستند که آیه هایی را که می خوانند همه در جهت پستی و خفت و تحقیر آنهاست. آنها نمی دانستند که این آیه ها از زن یک حیوان، یک آلت جنسی، یک ضد بشر و ضد انسان ساخته است ولی آنها خوشدل بودند که کاری بس عظیم کرده اند.

عده ای دیگر در خانه، در دوره های قرآن، در مساجد، در روضه خوانیها، بر سر مرده، بر سر قبر نزدیکان مانند پدر، مادر و فرزندان قرآن می خواندند ولی نمی دانستند چه می خوانند و نمی دانستند آنچه را که به زبان جاری می کنند دارای چه معانی و مفاهیمی است. بنا بر این چه بسا بارها بر سر قبر نزدیکان خود، آیه های زیر را می خواندند که می گوید:

سوره ۲ آیه ۲۲۲ « ترا از حیض می پرسند، بگو آن آزاری است، هنگام حیض از زنان کناره گیری کنید و نزدیکشان نشوید تا پاک شوند.»

سوره ۲ آیه ۱۸۷ « آمیزش با زنهائیان در شب روزه بر شما حلال شد، اکنون می توانید با آنها در آمیزید، هنگامی که در مسجدها معتکفید، با زنان میامیزید.»

سوره ۴ آیه ۳۴ « اگر بیمار یا در سفر بودید، یا قضای حاجت کردید یا با زنان آمیزش کرده و دست زده اید، به خاک تیمم کنید.»

سوره ۳۳ آیه ۵۱-۵۲ « ای پیغمبر خو را برای هم خوابه شدن با زنان ناراحت نکن زیرا لازم نیست نوبت را رعایت کنی، هر یک را که مایلی به بستر خود بیاور و هر که را خواستی کنار بگذار. بر تو ایرادی نیست. آزادی و اختیار کامل در داشتن و ترک آنها داری. برای آنها هم همین ترتیب بهتر است....»

سوره ۳ آیه ۵۴ « کافران نیرنگ کردند، الله نیرنگ آنها را تلافی کرد و الله از همه نیرنگ بازان مکارتر است.»

سوره ۸۶ آیه ۱۵-۱۶ « آنها دست به خدعه و حقه زدند، منم به آنان حقه و مکر می زنم.»

یا دستورهایی در مورد چپاول، قتل، دست و پا بریدن، نقص عضو کردن، ربودن زنان شوهردار، تجاوز به عنف و زور به زنان و مادران به غنیمت گرفته شده که وجود دارد را مردم می خواندند و به به و چه چه نیز می گفتند. مثلا به چند آیه زیر توجه کنیم تا پی ببریم که حتی چنگیز و آتیلا و تیمور لنگ هم این دستورها را صادر نکرده اند.

سوره ۵ آیه ۳۳ « کسانی که با الله و پیغمبر او می ستیزند و در زمین به فساد می کوشند، سزایشان جز این نیست که کشته شوند، یا بر دار کشیده شوند، یا دستها و پاهایشان به عکس یکدیگر بریده شود...»

سوره ۸ آیه ۱۲-۱۳ « گردنها و انگشتان کافران را قطع کنید.»

سوره ۹ آیه ۱۲۳ « ای کسانی که ایمان آورده اید، کافران را یکی پس از دیگری به نسبتی که هر کدام نزدیکتر و در دسترس ترند، به قتل برسانید، باید در شما خوشنوتی ببینند و بدانند که الله یار پرهیزکاران است. »

سوره ۴۷ آیه ۴ « چون به کسانی که کفر می ورزند بر خوردید، گردن آنها را بزنید و آنقدر بکشید تا زمین از خونشان رنگین شود و چون بسیار بکشیدشان، اسیر بگیرید و بندها را محکم ببندید تا فرار نکنند. پس از آن، آنها را تحقیر کنید و فدیة بگیرید...»

اگر قرار باشد که آیه هایی به نمونه های فوق را ذکر کنیم، شاید بدون اغراق، ناگزیر شویم به دو سوم قرآن اشاره نماییم که برخی از آنها آن چنان ضد انسانی و بر خلاف اخلاق و مروت و انصاف است و سنگدلی در آنها نهفته می باشد که مو بر بدن انسان راست می شود. ما به عنوان مثال، مثنی نمونه خروار را ذکر کردیم.

یکی از دوستان و همکاران دانشگاهی می گفت « اگر خمینی نبود که چهره اسلام را آنچنان که هست نشان دهد با چند میلیارد پول ممکن نبود که یکصدم آنچه را که او آشکار کرده و به این طریق مردم را از خواب قرون و اعصار بیدار کرده است، آشکار نمود و مردم را آگاه ساخت.»

به او گفتم به نظر همه، با هیچ رقمی میسر نبود چنین مردم را با حقایق نهفته، واقف نمود. چه کسی جرات داشت به دیگران بگوید که محمد یک راهزن بود، علی هفتصد نفر را در یک روز گردن زد و قاتل سفاکی بیش نبود. قرآن پر از دری وری و داستانهای بچه گانه ساختگی و قتل و غارت و جنایت است. امام ها، من در آوردی و ساخته آخوندها می باشند، احادیث و نقل قولها چرند و پرند و جز خزعبلات چیزی نیستند. خمینی همه اینها را بارها و بارها به صورت مختلف بیان داشته است و آخوند ها بازگو کرده اند.

امروز مردم به خوبی آگاه شده اند که اسلام لجنزار عفنی بوده که روی آنرا آب ذلال و پاک پوشانده بود و خمینی و آخوندها با بهم زدن آن، لجن ها را به روی آب آوردند و چهره حقیقی این مرداب آرام و خوشنما را به همگان نمایاندند. در زمان حال دیگر کسی نیست که به این واقعیات، که باید اعتراف کرد بسیار هم هولناک و غیر قابل تصور است، آگاهی نیافته باشد. اگر کسانی هستند که هنوز هم از اسلام دفاع می کنند، یا در وجودشان آثار و علایم و عوامل ارتکاب جرم و جنایت یافت می شود که اسلام را دوست دارند و یا حقه باز و دغلکارند، یا تصور می کنند که می توانند باز هم مردم را تحمیق نمایند و با مذهب و دین به اغفال بکشانند و از آنها سواری بگیرند. آنها نمی دانند که هر کس امروز بخواهد با سالوس پیشگی از اسلام دفاع نماید، مردم به او به دیده نفرت و انزجار می نگرند.

۲ - خمینی چهره آخوند را به ما شناساند

خدمت دوم خمینی به مردم ایران، شناساندن آخوند، ملا، واعظ، روضه خوان، همه آیت الله ها و حجت الاسلامها و بالاخره همه عمامه به سران، به همگان بود.

گرچه پیش از خمینی، گویندگان و سخنسرایان ایران بارها و بارها از سالوس و ریا و خدعه کاری این گروه مفتخور صحبت کرده و از استحمار و تحمیق که به مردم تحمیل می کردند، بحث و گفتگو نموده و به صور مختلف چهره حقیقی آنها را آشکار ساخته بودند ولی، کاری که خمینی نموده است آنقدر عظیم و با اهمیت و ارزشمند است که بدون شک قابل قیاس با پرده دری هیچ یک از شعرا و نویسندگان ایران نمی باشد.

خمینی باعث شد که آخوندها پرده و جاهت، معصومیت، مرد دین و ایمان بودن را از چهره بر کنار بزنند و آن هیولایی را که در زیر آن نهفته است، به همگان بنمایانند.

آخوندها به رهبری خمینی، نشان دادند که یک گروه جنایتکار، آدمکش و چپاولگرند که رحم و شفقت و انسانیت در قاموس آنها معنا و مفهومی ندارد. آنها اثبات کردند که اگر موقعیت به دست آنها بیفتد از هیچ تبهکاری، سنگدلی و سفاکی خود داری

نمی‌ورزند و از ویران کردن و به انهدام کشاندن، ابایی ندارند. آنها تا آن حد قسی القلب و بد نهادند که برای منفع خود حتی فرزندانشان را هم به دم تیغ می‌سپارند و از کشتن زن و فرزند خود هم سر باز نمی‌زنند و زنان حامله و کودکان خردسال را به گلوله می‌بندند.

خمینی و آخوند ها با آنچه که قبل از به قدرت رسیدن و بعد از به دست گرفتن قدرت گفته اند، نشان دادند که دروغ و تذویر و مکر و ریا و حقه بازی، وسیله کار آنان است و وقاها و بی شرمی و بی حیایی از خصوصیات اصلی شان می باشد و گول زدن و اغفال کردن و مردم را در بلاهت و سفاهت نگاه داشتن راه و روش و مرام و مسلکشان است.

اینان اثبات کردند که هیچ آخوندی مرد خدا و ایمان نیست و اگر در زمانی که فاقد قدرت است، نرمش و ملایمتی که جای خشونت نهادی آنها را گرفته است به علت مقتضیات و شرایط زمان و مکان می باشد و گر نه به محض به قدرت رسیدن از هر گرگ خونخوارتر و از هر مار و افعی گزنده تر و از هر وبا و طاعونی خطرناکترند. به همین جهت امروز مردم معنای واقعی این رباعی خیام را درک می کنند که می گوید:

با اینهمه مستی، از تو هشیارترم
انصاف بده، کدام خون خوارتریم؟

ای زاهد شهر، از تو بیدارترم
ما خون رزان خوریم و تو خون کسان

۳ - شناساندن روشنفکر مآبان و تحصیلکرده ها

بدون شک عده زیادی از دانشگاهیان، نویسندگان، روزنامه نگاران، شعرا و وکلای دادگستری، قضات، هنر مندان، دکترها، مهندسی و بسیاری از تحصیل کرده های مدارج بالا، در سقوط ایران نقش داشته اند و در ویرانی و انهدامش مسنول می باشند.

پیش از آمدن رئیس قبیله آدمخواران به ایران، این صاحبان قلم و استادان گرانقدر و گویندگان توانا که مردم نگون بخت ایران مجبور بودند، نه کرسی فلک را زیر پایشان بگذارند تا بتوانند بوسه بر رکاب این برج آج نشسته ها و از خود راضی ها و از دماغ فیل افتاده ها بزنند، آنچنان بادی به غیغ داشتند و خود را آزادی خواه، طرفدار حقوق بشر، هوادار مردم ستمدیده و زجر کشیده، غم خوار طبقه زحمتکش و رنجبر، مخالف شکنجه و آزار، پیرو حق و عدالت، خواهان سعادت و نیک بختی و رفاهیت مردم ایران جا زده بودند، که همه تصور می کردند اینان از شدت غم و رنج آنها، خواب و خوراک ندارند و شبانه روز در اندیشه خوش بختی و کامروایی مردم ایران تلاش می کنند و همه خطرات را به خاطر آنها به جان می خردند و صدمات و آسیبها را بر خود هموار می سازند.

نام این صاحبان قلم و فکر و اندیشه، همچون توپی در همه جا ترکید و در فضای ایرات طنین انداز بود. مردم تصور می کردند که این سربازان دلاور می خواهند آزادی و خوشبختی به آنها بدهند و درهای بهشت برین را برویشان بکشایند.

"بازرگان"، استاد دانشکده فنی دانشگاه تهران، از یکسو فریاد واملتا سر داده بود و "دکتر سبحانی" استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران از سوی دیگر نعره آزادی خواهی میکشید، دکتر "متین دفتری" "لاهیجی" "نزیه" و دار و دسته شان از طرفی صدای حقوق بشری خود را بلند کرده بودند و حاج سید جوادی ها، کاتوزیان ها، هما ناطق ها، پاکدامن ها و دهها تحصیلکرده بی مایه دیگر مانند آنها، از طرف دیگر ندای آزادی و انسانیت سر می دادند و فروهرها و مدنی ها و سامی کرمانی ها، مقدم مراغه ای ها، مبشری ها..... از سوی دیگر، داد خود را به آسمان رسانده بودند.

به خوبی به یاد دارم که در دانشگاه تهران بیش از پنجاه نفر از دانشگاهیان در اداره مرکزی و دبیر خانه دست به اعتصاب زده بودند و دکتر پاکدامن با درست کردن سازمانی به دستور استادان ازل و پشت پرده به نام "سازمان ملی دانشگاهیان" استادان را به اعتصاب می کشاند تا دولت اجازه ورود به خمینی را بدهد.

در آخرین روزهای نکیت باری که سرنوشتی شوم و درد انگیز برای مردم ایران آماده می شد و این روشنفکران خود فروخته در حال تدارک آن بودند، وکلای دادگستری و قضات هم به جمع اعتصابیون دانشگاه تهران پیوستند و روزنامه نگاران و شعرا و نویسندگان هم به یاری آنها آمدند.

دیگر همه جا در کف با قدرت این یکه تازان بود که تلاش می کردند امامشان را به ایران بیاورند و درهای سعادت را به روی ملت ایران بگشایند. دست اینان همه جا در دست آخوندها بود که آنرا صمیمانه و برده وار فشرده کردند. مردم نا آگاه و بخت برگشته ایران به این جماعت فریبکار و ویرانگر و ایران بر باد ده اعتماد کرد و به دنبالش حرکت نمود. سر انجام امام بزرگوار این روشنفکر مآبان به ایران آمد. روزنامه کیهان و اطلاعات به یاری و همدستی دسته ای از کمونیستها که در این روزنامه نفوذ کرده بودند، بنای چاپلوسی و تملق را در حد زشت ترین و وقیحانه ترین صورت ممکن، نهادند. عنوان ها یکی از دیگری درشت تر می شد و مطالب یکی از دیگری متملقانه تر از زیر چاپ در می آمد. حاج سید جوادی و برادرزانش دکتر کاتوزیان استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران از هیچ مدافنه گویی در پاره آخوند خمینی شهادت که رهبر و پیشوا و زعیم آنان بود خود داری نوزیدند و از هیچ اهانت و تهمتی به ارتش و به ایران و ایرانی ابا نکردند و از هیچ پستی، شرم نمودند.

وجدانا چه کسی می توانست چهره واقعی این افراد، این نویسندگان، این دانشگاهیان و روزنامه نویسان را که نه تنها بیمایه بودند بلکه به معنای واقعی فرومایه نیز بودند، به ملت ایران نشان دهد؟ و نقاب بی سوادی، عوام فریبی، جهل و نادانی و دروغگویی و تر فند بازی آنها را بر کنار زند؟

اگر خمینی به ایران نیامده بود هنوز حاج سید جوادی، قهرمان مبارزات ملت ایران محسوب می شد، بازرگان تنها دلاور و مرد میدان نبردهای شجاعانه علیه استبداد به شمار می آمد، مدنی و نزیه و لاهیجی..... دلیران رزمنده برای آزادی و سعادت رساندن ملت ایران قلمداد می شدند. ولی خمینی به ایران آمد و با نشان دادن ماهیت خود و اسلام و آخوند، به ملت ایران نیز فهماند که این قهرمانان پوشالی که چون آب سر بالا می رفته است آواز ابوعطا می خوانده اند، به کلی از حقایق نا آگاه می باشند، کوچکترین مطالعه ای در باره اسلام و آخوند ندارند و حتی علیرغم کتاب هایی چون توضیح المسائل و کاشف الغطاء و مجموعه ای دیگر از دری وری ها که به صورت اعلامیه، مقاله، نوشته وجود دارد، یک بار هم این مدعیان قلم و فکر و اندیشه آنها را مورد بررسی و مطالعه قرار نداده اند تا به طرز تفکر خمینی آشنایی پیدا کنند.

خمینی اثبات کرد که این آدمک برفی ها و بادکنکها را می توان با یک شمع ناچیز آب کرد و با تلنگر انگشت ترکاند. او پته آنها را به آب انداخت و ماهیت آلوده شان را به مردم شناساند و با اردنگی مزد و پاداش همه آنها را داد. ملت ایران به همت خمینی امروزه به خوبی پی برده است که مسبب بدبختیها، نکبت ها و فلاکت و سقوطش چه کسانی می باشند و این روشنفکر مآبان جاهل و نا آگاه ولی مغرور و از خود راضی، چگونه به کشورش قتل و جنایت و ویرانی را به ارمغان آوردند و خانواده ها را از هم پاشیدند و ایران را نابود کردند.

درفش کایانی



<https://derafsh-kaviyani.com/>
<https://the-derafsh-kaviyani.com/>